

**ممکن بود بشود «من زنده برگشتم»**



مجتبی حیدری بزرگ زرین بهترین کارگردانی مستند

به پروژه‌های آموزشی در حوزه معیشت و اشتغالزایی در شهرستان سرپاز برمی‌گردد. در آخرین برداشت خرما یا جوانی به اسم ساجد آشنا شدم که به اصطلاح عامه تیز و بز بود. مهندس عمرانی که تجربه هرکاری را داشت؛ جمع‌آوری علفه برای دام، خرماچینی، مکانیکی و هرکاری جز تخصص اصلی خودش. همان شب به عروسی در روستا دعوت شده بودیم که همین آقا ساجد آشنیزش بود.

ارتباطمان که عمیق‌تر شد ماجرای را تعریف کرد که ذهنم را حسابی درگیر خودش کرد. گفت اینجا دامادها قسمتی از مهریه‌ای را که باید به همسرشان بدهند در شب عروسی به صورت نقد به عروس می‌دهند و فردای عروسی آن را می‌گیرند، یک نسیان می‌خرند و می‌روند برای سوخت‌کنشی. گفت که خودش هم می‌خواهد به مرز برود. نتجاکو شدم و سؤال‌هایم بیشتر شد تا جایی که چند مرتبه به کافه بلوچی رفتم

و در نهایت تصمیم گرفتم با آقا ساجد به سفر بروم. تمام اتفاقاتی که در ویدیوهای مربوط به بچه‌های سوخت‌بر در فضای مجازی وجود



دارد می‌توانست برای ما بیفتد اما ما وقتیم و خداخواست زنده برگشتم. دادم همین جمله را می‌گفتم که یا از مرز با فیلم برمی‌گردم و اگر هم برگشتم خبرمان بخش می‌شود و همان هدفی که در جشنواره با فیلم دنبال می‌کردم به گونه‌ای دیگر برآورده می‌شود.

**۲-** در حوزه مستند بزرگترین چالش فهم یک ماجراست و البته خط قرمزهای ساختنی که عنوانش را گذاشته‌اند سیاه‌نامی. بخصوص در باره مشکلات مردم مرزنشینان که با عنوان غلط مناطق محروم یاد می‌شوند و من شرم دارم از استعمال آن. مناطقی که پر از استعداد، توانایی، دانش و... است را تقلیل داده‌ایم به مناطق محروم. بله بزرگترین چالش من فهم آدم‌ها از یک موضوع است؛ موهضاتی که نمی‌توانیم انتقال بدهیم و مدام به بن‌بست می‌خوریم. فیلم مستند در حوزه اجتماعی چه کوتاه و چه بلند غالباً پدیده‌ای دلی است و بچه‌ها با دلشان کار نمی‌کنند. نمونه‌اش تیم تولید «من زنده برگشتم» که ممکن بود بشود «من زنده برگشتم» و خبری شود در رسانه‌ها. این تکلیف را ما بارها و سال‌ها به دوش کشیدیم ولی هنوز باید در باره کوچکترین حرف‌کمان جواب پس بدهیم. این خیلی در دندک است که همیشه باید در مسیر اثبات خودمان باشیم. **۳-** فعلاً دارم از ساخت فیلم کوتاه لذت می‌برم و این برایم مهم است که حالم خوب باشد. سال‌هاست عکاس مستند اجتماعی هستم و سال‌ها تلاش کرده‌ام مختصر و کوتاه ۱۵ فریم عکس، حرقم را برزنم. ساخت فیلم

کوتاه هم از این جهت برایم جذاب است که حرف‌ها را در قالب ایجاز مطرح کنم. البته که در آینده به سمت ساخت مستند بلند خواهم رفت؛ این اجتناب‌ناپذیر است.

**۴-** در مورد جایزه آنقدر حرف‌ها دستمالی ندهند. من در ایام جشنواره در تهران نبودم و مشغول کار بودم. این جایزه برای یک تیم جوان است که از بد روزگار بزرگترشان شده‌ام من. به همین جهت جایزه برایم حس بهتری است. دارم تلاش می‌کنم که نگویم بی‌اهمیت دارم. نه قطعاً این حرف غلط است. آدم از نفسی جایزه انرژری می‌گیرد اما مهمتر از آن قطعاً دیده شدن کار است و اتفاقات بعدش. برای من بعدش مهمتر از این‌هاست. آیا بعدش قرار است این فیلم گرهی را باز کند؟ اینجااست که بزرگترین لذت جهان برای من حاصل می‌شود؛ وقتی تأثیر کاری که بابت آن جانم را گذاشتم ببینم؛ ببینم که گفتمانی در جامعه شکل گرفته و یک نفر پاسخگو شده است. این نباشد که «سنگی هم اگر به شیشه ما زد، بگذار که بگذارد که بپاشی‌اش را بکنند» امیدوارم این گفت‌وگو و پاسخگویی ایجاد شود اگر نه یک ذره از سن‌مان گذشته که با جایزه خوشحال شوم.

**۵-** اینکه کسی از زاویه مخالف ماجرا را ببیند و دربار‌ه‌اش حرف بزند برایم مهم است. نقد تکنیک دارد و آدم از آن درس می‌گیرد. من



هم به بخش‌هایی از کارم انتقاد دارم و شاید در تدوین بشود کارهای دیگری کرد و مثلاً نریشن و موسیقی اضافه کرد. محبت می‌کند، هر کسی راجع به آثار بچه‌ها صحبت می‌کند و باعث رشد می‌شود. جایگاه گفت‌وگو خالی است؛ گفت‌وگویی که تبدیل به تنش و درگیری نشود. اگر جای این گفت‌وگو باز شود خیلی از مشکلات حل می‌شود.

**۶-** من هم از دیدن عکس‌ها و ویدیوهای جشنواره شگفت‌زده می‌شدم. ذوق می‌کنم از دیدن جوانان علاقه‌مند و تمام تلاشم این است که بچه‌ها در این راه بمانند و آن چیزی را که بدغدغه و مسأله‌شان هست حفظ کنند و ادامه بدهند. خسته نشوند از بی‌پولی، از بی‌توجهی‌ها و از همه مسائلی که همه‌مان می‌دانیم. غنچه می‌خورم از اینکه این حجم از جوانان علاقه‌مند فقط در زمان محدود جشنواره فرصت دیدن آثار را دارند. در سفرهایم به شهرستان‌های مختلف که با جوان‌ها صحبت می‌کنم و به اندازه خودم تجربیاتم را انتقال می‌دهم می‌بینم چقدر حرف‌ها به گوش بچه‌ها رسیده و نشنیده‌اند. این جشنواره تهران بود و در تهران برگزار شد اگرچه تمام آثار تولید شده برای تهران یا مربوط به تهران نبود مثل فیلم خود من که در مرز سیستان و بلوچستان تولید شده، بچه‌های این استان کجا این فیلم‌ها را ببینند و **۳-** فعلاً دارم از ساخت فیلم کوتاه لذت می‌برم و این برایم مهم است که حالم خوب باشد. سال‌هاست عکاس مستند اجتماعی هستم و سال‌ها تلاش کرده‌ام مختصر و کوتاه ۱۵ فریم عکس، حرقم را برزنم. ساخت فیلم

**۴** فیلمساز برگزیده سی ونهمین جشنواره فیلم کوتاه تهران از چالش‌های این حوزه به «ایران» گفته‌اند

## در حسرت پرده‌عریض سینما

**نیلوفر ساسانی** / حدود یک هفته از برگزاری سی ونهمین دوره جشنواره فیلم کوتاه تهران می‌گذرد؛ رویدادی که تنها بستر نمایش فیلم‌های کوتاه روی پرده عریض سینماست. همان‌طور که برگزیدگان این دوره می‌گویند فیلم کوتاه هم مانند هر اثر سینمایی برای روی پرده و فضای سینما تولید می‌شود اما نه در سالن‌های سینما، سانسسی برای نمایش دارد و نه در تلویزیون باکس پخش ویژه برای آن در نظر گرفته شده است. می‌گویند سیاست پلتفرم‌های نمایشی هم در قبال فیلم کوتاه، انکار رفع تکلیف است و در ویتترین‌شان جایگاهی برای جلب نگاه مخاطب وجود ندارد. تمام این مسائل به چالش‌های پس از تولید برمی‌گردد. مسیر فیلمسازان عرصه فیلم کوتاه در جریان تولید هم هموار نیست. ۴ فیلمساز برگزیده این دوره از جشنواره در باره همین چالش‌ها، موانع و مشکلات ساخت فیلم کوتاه، چگونگی شکل گرفتن ایده داستانی و فرم‌روایی کارشان و در نهایت تصمیم‌شان برای ورود به سینمای حرفه‌ای و فیلم بلند گفته‌اند. پاسخ آنها به ۶ سؤال مشترک مطرح شده را در ادامه می‌خوانید.



### افسوس‌ها و رویاهای آقای ون

**۱-** ایده اولیه ساخت فیلم «اتاق آقای ون» از تابلو نقاشی شب پرستاره وون گوگ شکل گرفت؛ برایم جالب بود چطور می‌شود یک نقاشی در بدترین شرایط ممکن اثری چون شب پرستاره را در تیمارستان خلق کند با اینکه ون گوگ خود نقاش ناامیدی بود اما در همه آثارش امید را به جامعه‌اش منتقل می‌کرد. سعی کردم با بیانی تجربی افسوس‌ها و رویاهایش را که به واقعیت نپیوسته بود، به تصویر بکشم. **۲-** بزرگ‌ترین چالش، جذب سرمایه‌گذار برای فیلمنامه است که بسیار سخت است و نکته مهم دیگر تجملاتی شدن فیلم‌های کوتاه است که باعث بالا رفتن هزینه شده است. **۳-** بله. متأسفانه فیلم کوتاه در ایران جایگاهی که بتوان درآمدی از آن کسب کرد را ندارد و فیلمساز به ناچار مجبور می‌شود بعد از مدتی به سمت سینمای بلند برود از سوی دیگر فیلمساز در فیلم کوتاه فرصت آزمون و خطا دارد ولی در سینمای بلند چنین فرصتی وجود ندارد، لازم‌ه فعالیت در سینمای بلند حضور و فعالیت در فیلم کوتاه است.

**۴-** از نظر من دریافت جایزه به تنهایی ملاک نیست، چرا که بعضی اوقات جایزه می‌تواند برای برخی از فیلمسازهایی که درگیر توهمات می‌شوند خطرناک هم باشد ولی برای من حضور در جشنواره بسیار مفید و مهم است؛ فرصتی است که فیلمساز خودش را معرفی کند و از مهم‌ترین دستاوردهای چنین

■ چهارشنبه ۱۱ آبان ۱۴۰۱

■ سال بیست و هشتم

■ شماره ۸۰۴۲

## فرهنگی

## ۱۵

**بدون نمایش، بدون ویت‌رین**



امیر پذیرفته

بزرگ زرین بهترین فیلم در بخش مسابقه سینمای ایران

**۱-** تم اصلی این فیلم هم همین نکته است که هر سنگی برتاب کنی، سرانجام به سمت خودت برمی‌گردد. برای ساخت «اندروا» دو چالش داشتم؛

اول اینکه کاری بسازم که با حذف دیالوگ هم بتواند مفهوم را برساند. اتفاقی که سر سکانسی در «کپسول» هم آن را تجربه کرده بود. سرریک سکانس یک صفحه‌ای به‌طور کامل دیالوگ را حذف کردم و دیدیم که چه اتفاق خوبی می‌افتد. همچنان از دیدن آن لذت می‌برم. شیوه دکوپاژ و روایی کار هم لانگ‌تکتور بود و ۱۶ پلان بود. **۲-** نمی‌شود از مشکلات گفت و از معضل تأمین هزینه یاد نکرد. من سعی کردم از پس مشکلات مالی ب‌رایم. شاید شیوه آن درست نبوده باشد ولی به هر حال راه دیگری هم جز وام گرفتن نداشتیم. بد می‌دانم که بگویم با بدبختی وام گرفتم و این فیلم را ساختم. من پای خواسته‌ام ایستادم که بتوانم تولید موفقی داشته باشم. پای تمام این‌ها ایستادم که یاد بگیریم. به این ایستادگی البته باید حمایت شهرداری رفسنجان و روابط عمومی مجتمع مس سرچشمه رفسنجان را هم اضافه کرد. نکته مهم دیگر در ساخت فیلم کوتاه جلب اعتماد است؛ جلب اعتماد عوامل تولید برای



الان به من بگویند که اگر چه کار می‌کردم که کار بهتر می‌شد تا این انتقاد آموزه‌ای برای کارهای بعدی‌ام باشد. نقد سازنده خیلی خوب است. باتوق‌هایی که برای فیلم کوتاه راه افتاده جلسات نقد و بررسی خوبی دارد. خیلی از جلسات از پرسش و پاسخ فراتر رفته و به نقد می‌رسد. این جلسات خیلی کمک می‌کند.

**۶-** همه ما فیلم می‌سازیم به این امید که دیده شوند. چندی پیش در گفت‌وگویی با یکی از دوستانی که فیلمش در جشنواره سینما حقیقت از جلسات از پرسش و پاسخ فراتر رفته و به نقد می‌رسد. این جلسات خیلی کمک می‌کند. **۶-** همه ما فیلم می‌سازیم به این امید که دیده شوند. چندی پیش در گفت‌وگویی با یکی از دوستانی که فیلمش در جشنواره سینما حقیقت از جلسات از پرسش و پاسخ فراتر رفته و به نقد می‌رسد. این جلسات خیلی کمک می‌کند. **۶-** همه ما فیلم می‌سازیم به این امید که دیده شوند. چندی پیش در گفت‌وگویی با یکی از دوستانی که فیلمش در جشنواره سینما حقیقت از جلسات از پرسش و پاسخ فراتر رفته و به نقد می‌رسد. این جلسات خیلی کمک می‌کند. **۶-** همه ما فیلم می‌سازیم به این امید که دیده شوند. چندی پیش در گفت‌وگویی با یکی از دوستانی که فیلمش در جشنواره سینما حقیقت از جلسات از پرسش و پاسخ فراتر رفته و به نقد می‌رسد. این جلسات خیلی کمک می‌کند. **۶-** همه ما فیلم می‌سازیم به این امید که دیده شوند. چندی پیش در گفت‌وگویی با یکی از دوستانی که فیلمش در جشنواره سینما حقیقت از جلسات از پرسش و پاسخ فراتر رفته و به نقد می‌رسد. این جلسات خیلی کمک می‌کند. **۶-** همه ما فیلم می‌سازیم به این امید که دیده شوند. چندی پیش در گفت‌وگویی با یکی از دوستانی که فیلمش در جشنواره سینما حقیقت از جلسات از پرسش و پاسخ فراتر رفته و به نقد می‌رسد. این جلسات خیلی کمک می‌کند. **۶-** همه ما فیلم می‌سازیم به این امید که دیده شوند. چندی پیش در گفت‌وگویی با یکی از دوستانی که فیلمش در جشنواره سینما حقیقت از جلسات از پرسش و پاسخ فراتر رفته و به نقد می‌رسد. این جلسات خیلی کمک می‌کند. **۶-** همه ما فیلم می‌سازیم به این امید که دیده شوند. چندی پیش در گفت‌وگویی با یکی از دوستانی که فیلمش در جشنواره سینما حقیقت از جلسات از پرسش و پاسخ فراتر رفته و به نقد می‌رسد. این جلسات خیلی کمک می‌کند. **۶-** همه ما فیلم می‌سازیم به این امید که دیده شوند. چندی پیش در گفت‌وگویی با یکی از دوستانی که فیلمش در جشنواره سینما حقیقت از جلسات از پرسش و پاسخ فراتر رفته و به نقد می‌رسد. این جلسات خیلی کمک می‌کند.

همکاری و جلب اعتماد مسئولان برای گرفتن مجوزهای لازم و امکانات، وقتی یکی نفر به‌تو اعتماد می‌کند، وظیفه‌ات دوچندان می‌شود که بتوانی جواب این اعتماد را بدهی. این اعتماد خیلی کارگشااست. وای به حال کسی که پول نداشته باشد و به او اعتماد هم نشود. این دردناک است که جوانی با وجود مشکل مالی به هر طریقی نتوانسته بودچه کارش را به دست بیورد اما کسی – از عوامل تولید تا مسئولان شهری– به او اعتماد نداشته باشند. دیگر معضل جدی برای فیلمسازان شهرستانی نبود امکانات و تجهیزات در شهرستان است که هزینه فیلمسازی را برای فیلمسازانی که ساکن تهران نیستند بالا می‌برد.

**۳-** نگاه کلی این‌است که فیلم کوتاه مقدمه‌ای برای فیلم بلند است اما به نظر من فیلم کوتاه، سینمایی کاملاً مستقل است. این‌طور نیست که اگر فیلم بلند بسازم دیگر سراغ فیلم کوتاه را نروم. برای من ساختن فیلم کوتاه خیلی لذت‌بخش است. الان دو فیلمنامه آماده دارم که علاقه‌مند آنها را بسازم حتی اگر قرار باشد فیلم بلند بسازم. قطعاً روزی این دوراخواهم ساخت. خیلی‌ها برگشت به سمت فیلم کوتاه را شکست می‌دانند اما من مخالف این نظریه‌ام و در صورت تجربه فیلم بلند باز هم فیلم کوتاه خواهم ساخت. اگر ایده‌هایم در

تهران نیفتد بالا می‌برد.

**۳-** نگاه کلی این‌است که فیلم کوتاه مقدمه‌ای برای فیلم بلند است اما به نظر من فیلم کوتاه، سینمایی کاملاً مستقل است. این‌طور نیست که اگر فیلم بلند بسازم دیگر سراغ فیلم کوتاه را نروم. برای من ساختن فیلم کوتاه خیلی لذت‌بخش است. الان دو فیلمنامه آماده دارم که علاقه‌مند آنها را بسازم حتی اگر قرار باشد فیلم بلند بسازم. قطعاً روزی این دوراخواهم ساخت. خیلی‌ها برگشت به سمت فیلم کوتاه را شکست می‌دانند اما من مخالف این نظریه‌ام و در صورت تجربه فیلم بلند باز هم فیلم کوتاه خواهم ساخت. اگر ایده‌هایم در تهران نیفتد بالا می‌برد.

**۴-** خود ماهیت جایزه، صد درصد انگیزه می‌دهد. اگر اشتباه نکنم من تنها فیلمسازی بودم که پارسال در بخش داستانی فیلم داشت



از سختی‌های تولید، همین‌کار در شهرک دفاع مقدس بود. باید فکر اساسی اندیشیده می‌شد که چرا هر کسی در قالب فیلم کوتاه یا بلند یا سریال کار جنگی می‌سازد فردای آن روز اعلام می‌کند که پشت دستش را داغ کرده از اینکه سراغ فیلم جنگی رفته است.

چالش جدی بعدی ما اتفاقی بود که برای آقای انجری از بدلکارهای معروف سینما افتاد. یکی از سکانس‌هایمان نیاز به انفجار نزدیک به بدلکار داشت که متأسفانه به‌خاطر ناهماهنگی و برای یکی دو ثانیه جا به جایی، انفجار روی صورت ایشان اتفاق افتاد. آقای انجری یکی دو روز در کما بود اما الحمدلله به‌خیر و خوشی تمام شد. هر چند که چند روزی درگیر بیمارستان و چند ماهی درگیر درمان بودند اما خدا را شکر که مشکل حل شد.